

# روندنظامی شدن ژاپن

نوشته: ریو هی هاتسوسه Ryuhei Hatsuse استاد روابط بین الملل در دانشکده حقوق دانشگاه کوبه KOBE ژاپن

ترجمه از: علیرضا طبیب

## ۱- مقدمه

قدرت و مسئولیت با هم برابر بودند. عملاً این دو حوزه بطور لاینفکی درهم ترکیب شده و غالباً برد با بخش نظامی بود. نظامی گری در روستاها و شهرها، مابین کودکان و بزرگ سالان، زنان و مردان، دبستانها و شرکتهای، و در زندگی خصوصی و عمومی بنحو گسترده ای مورد پذیرش بود.

دوره ۱۹۴۵-۱۹۵۰: دوره نظامی زدایی، با فروپاشی امپراطوری نظامی گرای ژاپن در ۱۹۴۵ آغاز شد. بعنوان یکی از شرایط تسلیم بی قید و شرط ژاپن به متفقین، کلیه نیروهای نظامی کشور منحل گردید. مرحله دوم، در تبیان کامل با مرحله نخست بود. چنین بنظر می رسد که نظامی گری از ذهن و جسم و زندگی خصوصی و عمومی تمامی ملت ناپدید شده باشد. در ۱۹۴۷، قانون اساسی باصلاح صلح به مورد اجرا گذاشته شد. مردم در ابتدا سردرگم بودند ولی عاقبت تصمیم به پذیرش قانون اساسی و تلاش در جهت ابقای آن بعنوان نمادی از ژاپن غیرنظامی گرفتند. ماده ۹ این قانون جنگ را محکوم و اعلام می نمود که «نیروهای زمینی، دریایی یا هوایی، و نیز توان جنگی، هرگز تقویت نخواهد شد» و نیز حاکی از انکار «حق دولت برای توسل به جنگ» بود.

مخالفت با سلاحهای هسته ای در اذهان مردمی که درس تاریخ را از دو بمب اتمی که در اوت ۱۹۴۵ بر هیروشیما و ناگازاکی فرو ریخته شد آموختند، شدیداً با گرفت. هنگامی که در ۱۹۵۴ یک قایق ماهیگیری در معرض ریزش غبار رادیو اکتیو ناشی از آزمایش بمب هیدروژنی آمریکا در بیکینی اتول (Bikini Atoll) از جزایر مارشال (Marshal) قرار گرفت، یک جنبش گسترده مخالفت با سلاحهای هسته ای در توکیو و هیروشیما برپا شد. ضمناً مردم پس از جنگ دوم جهانی، به زودی از میلیتاریسم دلزده شدند. خشونت در مقیاس بزرگ یا کوچک ممنوع و توسل به زور در سطح خصوصی یا عمومی محکوم گردید. خشونت و زورمداری که مطلوب سربازان و افسران نظامی گرا بود، در آن ایام نظامی زدایی، جای خود را به آرامش طلبی داد.

دوره ۱۹۵۰ تا حال حاضر: سومین دوره نظامی شدن مجدد از اواخر دهه ۱۹۴۰ آغاز شد. خشونت سازمان یافته بار دیگر در ۱۹۵۰ تحت نام «پلیس ملی احتیاط» پدیدار شد که خود را در ۱۹۵۲ «نیروی ایمنی ملی» و مجدداً در ۱۹۵۴ «نیروهای پدافند ملی» نامید. علیرغم ماده ۹ قانون اساسی، نیروهای پدافند ملی از نظر کمی و کیفی مداوماً گسترش یافته اند. نظامی شدن مجدد از دهه ۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۷۰ بحث انگیزترین موضوع در سیاست ژاپن بود. با اینحال نیروهای پدافند ملی به سطح یکی از بزرگترین نیروهای نظامی در آسیا رشد کرده اند. چنین به نظر می رسد که در دهه ۱۹۸۰، این نیروها بعنوان پدیده ای قانونی ولو مخالف قانون اساسی، مشروعیت یافته اند.

در جامعه نیز مسئله کاربرد زور در مدارس بویژه در دبیرستانهای مقدماتی (شامل کلاسهای هفتم تا نهم) اخیراً یکی از جدی ترین مباحث اجتماعی بوده است. خشونت در مقیاس محدود غالباً در نمایش ها و کارتون های تلویزیونی دیده می شود.

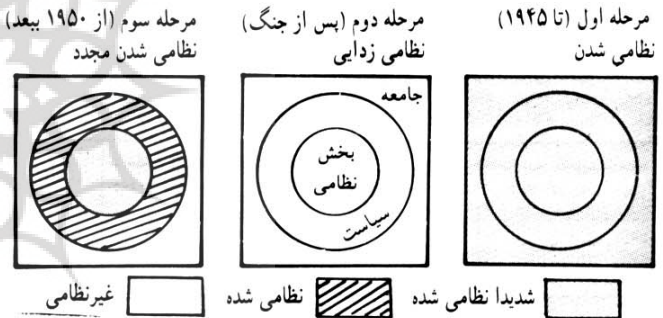
با این حال روند نظامی زدایی پس از جنگ، به موجودیت خود در مقابل جریان و جو مربوط به نظامی شدن مجدد، ادامه داده است. قانون اساسی صلح هنوز در ذهن اغلب مردم زنده است و ضدیت با سلاحهای هسته ای کماکان در روح آنان قوی است. اما افراد به صلح فردی یا خانوادگی بیش از عدالت اجتماعی یا صلح جهانی گرایش یافته اند. از دیگر سو، حکومت در صدد آن بوده است که قدرت نظامی ژاپن را در چهارچوب ضوابط و محدودیت های وضع شده از سوی قانون اساسی و افکار عمومی افزایش دهد. بدین ترتیب روند نظامی شدن در ژاپن معاصر امری تدریجی، بی سرو صدا و وابسته به استراتژی هسته ای آمریکا می باشد. با این حال باید متذکر شد که خود این جریان بسیار مداوم و پیوسته می باشد.

به منظور درک کلیت این نظامی شدن تدریجی، بی صدا، و وابسته ولی لاینقطع، باید نظامی شدن را نه فقط در حوزه نظامی، بلکه همچنین در زمینه های سیاسی،

هدف این نوشته بحث در باره نظامی زدایی و نظامی شدن جامعه، سیاست، اقتصاد و ارتش ژاپن از راه تحلیل شاخص هاست.

در آنچه از این پس عنوان می گردد، منظور از «نظامی شدن» عبارتست از (۱) تقویت توان و تشکیلات نظامی (۲) نفوذ فزاینده ارتش در امور مدنی و (۳) رخنه ارزشهای نظامی گرایانه در شئون غیر نظامی. «نظامی زدایی» نیز چنین تعریف می شود: (۱) تضعیف یا از بین بردن توان و تشکیلات نظامی (۲) نفوذ کاهنده ارتش در امور مدنی یا افزایش نفوذ غیر نظامیان در امور نظامی و (۳) عدم پذیرش ارزشهای نظامی گرایانه از سوی غیر نظامیان.

ژاپن نوین، از سه مرحله نظامی شدن گذشته است: نظامی شدن (۱۹۴۵-۱۸۶۸)، نظامی زدایی (از نظر سیاسی ۱۹۵۰-۱۹۴۵ از لحاظ اجتماعی از ۱۹۴۵ تا حال حاضر)، و نظامی شدن مجدد (از ۱۹۵۰ تا زمان حاضر) از نظر ترسیمی، اختلاف درجه نظامی شدن این مراحل در شکل زیر نشان داده شده است:



قبل از بحث مفصل در باره مرحله سوم، بویژه روند نظامی شدن در خلال دهه اخیر، تذکرات مختصری در باره دو مرحله نخست لازم به نظر می رسد. دوره ۱۸۶۸-۱۹۴۵: در مرحله اول، ژاپن به سال ۱۸۶۸ یعنی نخستین سال انقلاب میجی (MEIJI) بعنوان یک قدرت کوچک کار خود را آغاز کرد و با اتخاذ راه غربگرایی و صنعتی شدن، نظامی شدن را نیز همانگونه که در شعار ایجاد یک «ارتش قوی، کشور ثروتمند» نماد یافته، بعنوان هدفی ملی برگزید و کوشید تا از راه بیروزی بر چین (۱۸۹۵) و روسیه تزاری (۱۹۰۵) به یک قدرت بزرگ مبدل گردد.<sup>(۱)</sup> ژاپن با پشت سر گذاشتن سرگشته سال «دوره نظامی زدایی» در عصر تایشو (TAISHO) در دهه ۱۹۲۰، از سالهای ۱۹۳۰ تلاش کرد تا به قدرتی واقعی در جهان مبدل شود و لذا نظامی گری در فرهنگ مدنی و نیز در سیاست و دیپلماسی ریشه دواند.

بدین ترتیب جریان های نظامی شدن به اعلا درجه خود یعنی امپراطوری ژاپن که نمونه کلاسیک یک دولت نظامی بود انجامید. از ویژگیهای دولت نظامی، نظامی شدن سیاست است: از بدو تاسیس نظامی کابینه ای ژاپن در ۱۸۸۵ تا پایان جنگ اول جهانی در ۱۹۴۵، سیزده تن از بیست و نه نفر نخست وزیران ژاپن نظامی بودند. هشت تن از آنان از نیروی زمینی برخاستند که ۵ نفرشان قبل از نخست وزیری پست وزارت جنگ را به عهده داشتند. شش تن نیز از نیروی دریایی، و قبل از نخست وزیری وزارت نیروی دریایی را عهده دار بودند.

بدین ترتیب سابقه نظامی افراد در سیر ترقی آنان به بالاترین مقامات سیاسی بمنزله سرمایه سیاسی والایی ارزیابی می شد. بعلاوه قانون اساسی میجی (۱۸۸۹-۱۹۴۵) بر تقسیم صریح قدرت بین دو حوزه نظامی و غیرنظامی مبتنی نبود بلکه مبنای آنرا سیستمی متوازی تشکیل میداد که در آن دو حوزه از نظر

● مخالفت با سلاحهای هسته‌ای در ذهن مردم ژاپن که درس تاریخ را از دو بمب اتمی که در ماه اوت ۱۹۴۵ بر هیروشیما و ناکازاکی فروریخته شد آموخته‌اند بسیار نیرومند است.

● مردم ژاپن از این حقیقت آگاهند که ژاپن به صورت فعالی در استراتژی هسته‌ای آمریکا وارد شده است ولی تردید دارند که ایالات متحده برای آنان و به جای آنها بجنگد.

● نظامی شدن مجدد، از دهه ۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۷۰، بحث‌انگیزترین موضوع در سیاست ژاپن بوده لکن نیروهای پدافند ملی تا سطح یکی از بزرگترین نیروهای نظامی در آسیا رشد کرده‌اند و به نظر می‌رسد که این نیروها در دهه ۱۹۸۰ به عنوان پدیده‌ای قانونی، ولو مخالف قانون اساسی، مشروعیت یافته‌اند.

● روند نظامی شدن در ژاپن معاصر، امری تدریجی، بی سر و صدا و وابسته به استراتژی هسته‌ای ایالات متحده آمریکاست.

اقتصادی، و اجتماعی روشن ساخت و دقت به بررسی شاخص‌های نظامی شدن پرداخت.

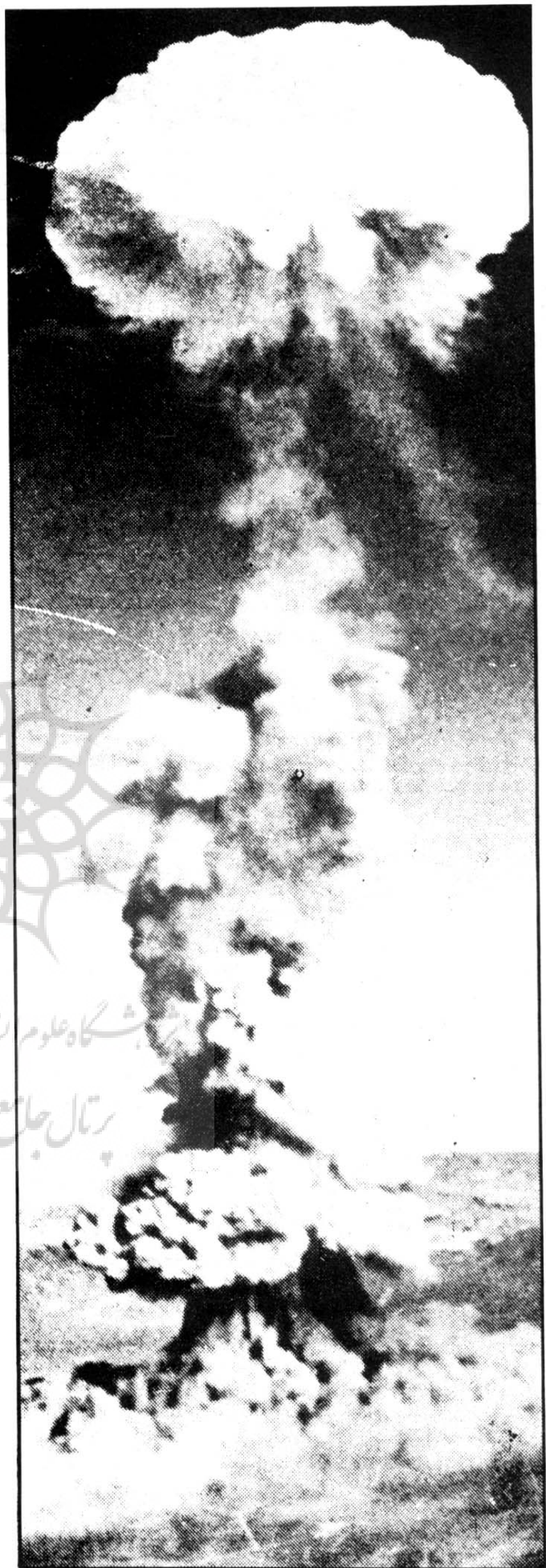
جدولی که در زیر می‌آید ویژگیهای هر دوره را ترسیم می‌نماید:

سه مرحله نظامی شدن و نظامی زدایی در ژاپن

مرحله اول: نظامی شدن (۱۹۴۵-۱۹۶۸)	مرحله دوم: نظامی زدایی (۱۹۴۵-۱۹۵۰)	مرحله سوم: نظامی شدن مجدد (از ۱۹۵۰ تاکنون)
۱- شدیداً تهاجمی	۱- نه تهاجمی نه تدافعی	۱- تدافعی اما وابسته به استراتژی هسته‌ای آمریکا
سیاست	۱- تجاوز نظامی	۱- قانون اساسی صلح اما افزایش در بودجه دفاعی
۲- ترکیب نظامیان و غیر نظامیان در حالیکه غالباً برد با نظامیان بود.	۲- ..... ۳- کنترل غیرنظامیان اما همراه با برخی بازبکران نظامی	۲- کنترل غیرنظامیان اما همراه با برخی بازبکران نظامی
جامعه	۱- پان آسیانیسم و دولت گرایی ۲- شینتوئیسم (SHINTOISM) همراه با امپراطور بعنوان خدا. معبد یا سوکونی بعنوان یک نماد ملی، مذهبی	۱- ناسیونالیسم اما بدون مشارکت مردم ۲- آزادی مذهب اما همراه با احتمال احیای نماد یا سوکونی
۳- نظامی گری	۳- ضدیت با جنگ، ضدیت با سلاحهای هسته‌ای	۳- ضدیت با سلاحهای هسته‌ای اما مجازدارنده استراتژی هسته‌ای آمریکا
۴- «صلح» از راه پیروزی نظامی.	۴- ایجاد صلح از راه دمکراسی یا انقلاب	۴- اقتصاد مبتنی بر صلح (PAXECONOMICA) و صلح شخصی

## ۲- نظامی زدایی جامعه

جامعه ژاپن تاکنون کمابیش غیرنظامی باقی مانده است. بطور مثال اغلب مردم نحوه استعمال اسلحه کمری یا مسلسل را نمی‌دانند، اما در عوض، بسیاری از افراد متعلق به نسل جوان‌تر از پرداختن به بازیهای جنگی در کامپیوترهای شخصی لذت می‌برند. این نمونه دوم مخلوطی است از نظامی زدگی و نظامی زدایی. یک مثال دیگر این که افسران و سربازان وابسته به نیروهای پدافند ملی که برای خرید و گذراندن اوقات فراغت خود به مرکز شهر می‌آیند، نه یونیفورم نظامی خویش، بلکه لباس غیرنظامی به تن می‌کنند.



نظامیان در خیابانها لباسهای غیر نظامی را به یونیفورم ترجیح می دهند و تظاهر به نظامی گری روشی است که فقط مورد علاقه بخش بسیار کوچکی از جوانان می باشد.

از يك لحاظ جامعه هنوز دارای جهت گیری صلح آمیز است، اما بلافاصله باید افزود که معنی صلح (در نزد مردم ژاپن) در خلال این ۴۰ سال به آهستگی دستخوش تغییر شده است. درخصوص موضعگیری ژاپنی ها در قبال نظامی شدن به ۳ نکته یعنی صلح، دفاع و ملت باید اشاره نماییم.

در سالهای نظامی زدایی متعاقب خاتمه جنگ، صلح عموماً بعنوان نمادی محترم و قابل توجه پذیرفته شده بود (در این مورد) نام شرکتها مثال خوبی است. ما توجه خود را بر روی شرکت هایی متمرکز می کنیم که با سرمایه ای

بیش از ۱۰ میلیون ین تاسیس شده اند و ضمناً نام آنها با کلمه «صلح» آغاز می شود. مثل PEACE TAXI CO, PEACE MANUFACTURING, PEACE FOOD, PEACE REAL ESTATE

تعداد این شرکتها در فاصله ۲۶،۱۹۴۶-۵۰ عدد، در فاصله ۱۷،۱۹۵۱-۵۵ عدد، در سالهای ۱۹۵۶-۶۰، ۱۰ شرکت و در

دوره های ۱۹۷۶-۸۰ یا ۱۹۸۱-۸۵ صفر بوده است. در دهه ۱۹۷۰، صلح اهمیت خود را در بازرگانی بعنوان يك نماد از دست داده است و این خود از يك جهت نمایانگر مشارکت این کمپانی ها در صنایع دفاعی می باشد.

با این وجود جهت گیری صلح آمیز همچنانکه در نمودار ۱ و جدول ۲ مشاهده می شود در کل جامعه پایدار مانده است. توجه و علاقه مردم نسبت به صلح بار دیگر در دهه ۱۹۸۰ ربه افزایش گذاشته است. نمودار ۱ تعداد کتب منتشر شده ای را نشان میدهد که در بخش نخست عنوان خود دارای کلمه صلح هستند. از آنجا که ممکن است بین توجه مردم و انتشار این قبیل کتب تاخیری

زمانی وجود داشته باشد، لذا بجای آنکه داده های يك سال، تنها عرضه شود، تعداد متوسط کتب مزبور در طی ۳ یا ۵ سال متوالی نشان داده شده و بدین ترتیب عناصر اتفاقی حتی الامکان تحت کنترل درآمده است. بر مبنای این یافته ها، اخیراً توجه و علاقه مردم نسبت به صلح بار دیگر احیاء شده است. با این حال خود مفهوم ذهنی، صلح، از برقراری صلح جهانی یا ملی، به صلح فردی یا تعلیم و تربیت صلح آمیز تغییر نموده است. جدول شماره ۲ نشان دهنده مفاهیمی است که در عناوین کتاب ها به کلمه صلح نسبت داده شده است، مثلاً «برای صلح، استقلال و دموکراسی» یا «تعلیم و تربیت صلح آمیز و حقوق بشر».

در حالیکه تصور قدیمی از صلح با سمبل های سیاسی استقلال، دموکراسی، و جنبش صلح همبسته بود، تصور اخیر با نمادهای اجتماعی حقوق بشر، تعلیم و تربیت، و خلع سلاح غیر سیاسی پیوند دارد بطوریکه نمی توان برای اقدام سیاسی مستقیم بر علیه نظامی شدن ارتش، سیاست، و اقتصاد بکار انداخت.

عموماً گفته می شود که تمایلات فکری مردم ژاپن در قبال مسئله دفاع تناقض آمیز است. مثلاً در عین اینکه اکثریت بنحو فزاینده ای قانون اساسی صلح را مورد حمایت قرار داده اند ولی همچنانکه بررسیها نشان میدهد تعداد زیادی نیز بطور مداوم از نیروهای پدافند ملی پشتیبانی نموده اند. همانطور که

در نمودار ۳ مشاهده می شود نیمی از افراد مورد سنجش، معاهده امنیتی امریکا - ژاپن را تأیید می نمایند.

حمایت مردم از نیروهای پدافند ملی لزوماً به معنی مقبولیت این نیروها در میان جوانان نیست. بررسی ها نشان میدهد که در تلاش برای کاریابی، تعداد کمی از افراد مایل به خدمت در نیروهای پدافند ملی می باشند. نسبت متقاضیان شغل به کسانی که بطور داوطلب وارد خدمت نظام شده اند در سال ۱۹۶۰ بالغ بر ۷/۴۶، در ۱۹۸۲ معادل ۲/۵۱ و در ۱۹۸۳ برابر ۱/۹۸ بوده است. این بررسی ها همچنین نمایانگر آن است که شمار کمی در برنامه های آموزشی کوتاه مدت مثلاً يك هفته ای که توسط نیروهای پدافند ملی ترتیب داده می شود شرکت کرده اند. تعداد شرکت کنندگان در سال ۱۹۷۹ برابر ۸۰۰۰ نفر، در ۱۹۸۲ بالغ بر ۹۳۰۰ نفر، و در ۱۹۸۴ معادل ۶۱۰۰۰ تن بوده است. بنابراین

ژاپنی ها تلاش دارند که خود را از نیروهای پدافند ملی کشور خود دور نگهدارند ولی در عین حال از این نیروها بعنوان کسانی که بجای آنان و برای آنها می جنگند حمایت می نمایند.

همانطور که در نمودار ۴ منعکس است، مخالفت با سلاحهای هسته ای قویاً در روح مردم وجود دارد. اکثریت مطلق مردم از تسلیح اتمی ژاپن حمایت نکرده و سه اصلی را که بصورت قطعنامه در سال ۱۹۷۱ در مجلس ژاپن به تصویب رسید مورد حمایت قرار میدهند. این اصول تولید، مالکیت، و معمول سازی سلاحهای هسته ای در داخل ژاپن را ممنوع می سازد. از طرف دیگر، مردم خواه این امر را تصدیق یا محکوم نمایند، از این حقیقت آگاهند که ژاپن

جدول يك - آمار مفاهیم نسبت داده شده به کلمه صلح در عناوین کتب منتشره

مفاهیم	۱۹۸۲	۱۹۷۹	۱۹۷۶	۱۹۷۳	۱۹۷۲	۱۹۶۹	۱۹۶۶	۱۹۶۳	۱۹۶۰	۱۹۵۷	۱۹۵۴	۱۹۵۱	۱۹۴۸
استقلال	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
دموکراسی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
جنبش													
انقلاب													
حقوق	۱	۳	۷	۲									
تعلیم و تربیت	۵	۳	۷	۲									
صلح سلاح	۲	۱	۲										
جنگ	۱												
قانون اساسی	۱												
هزبرستی	۱												
فرارزد													

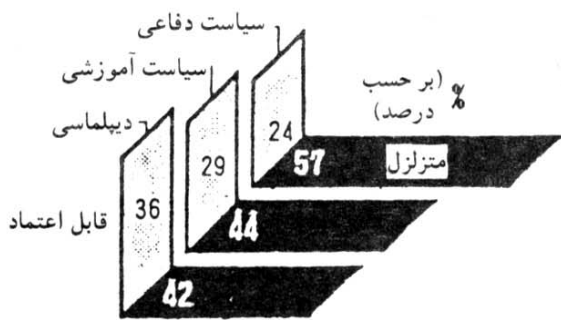
تذکره: در این آمار تنها کتبی که نام آنها کلمه «صلح» یا «غیر صلح» دارند، منظور شده اند. علاوه بر این، آمار شامل کتبی است که در عناوین آنها کلمه «صلح» یا «غیر صلح» در کنار کلمه «صلح» یا «غیر صلح» آمده است. منبع برای دوره ۱۹۸۲ تا ۱۹۷۹ تاریخ انتشار و پذیرش کتاب در کتابخانه مجلس ژاپن مشخص شده است. منبع برای دوره ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۲ تاریخ انتشار و پذیرش کتاب در کتابخانه مجلس ژاپن مشخص شده است.

● دوره نظامی زدائی، با فروپاشی امپراتوری نظامی گرای ژاپن در ۱۹۴۵ آغاز شد و کلیه نیروهای مسلح آن کشور به عنوان یکی از شرایط تسلیم بی قید و شرط به متفقین، منحل گردید.

● طبق قانون اساسی صلح، نیروهای زمینی، دریائی، هوائی، و نیز توان جنگی ژاپن هرگز تقویت نخواهد شد. این قانون همچنین حاکی از انکار «حق دولت برای توسل به جنگ» میباشد.

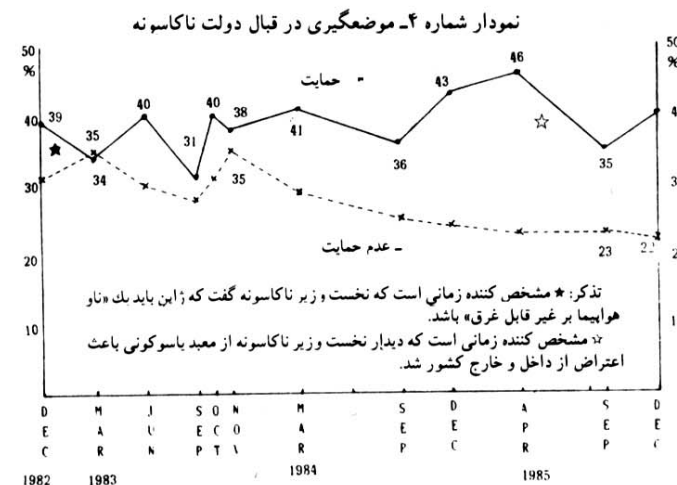
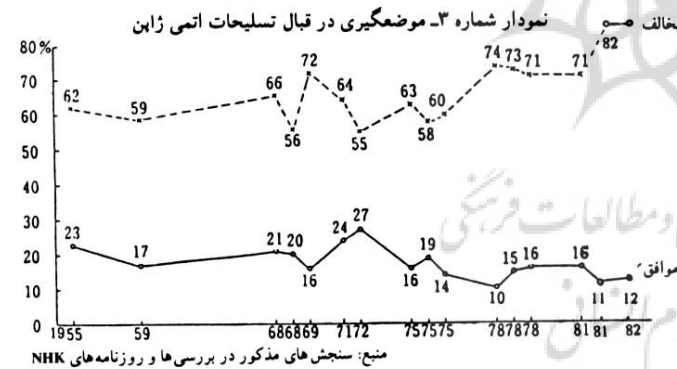
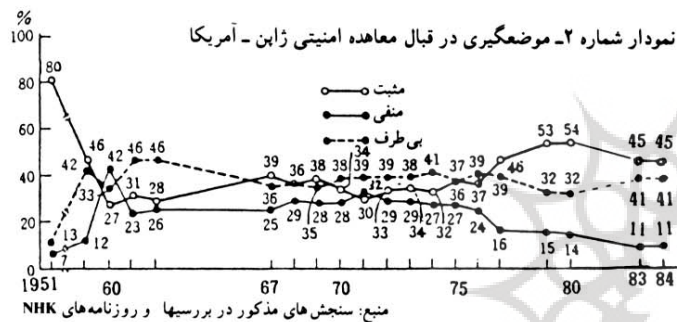
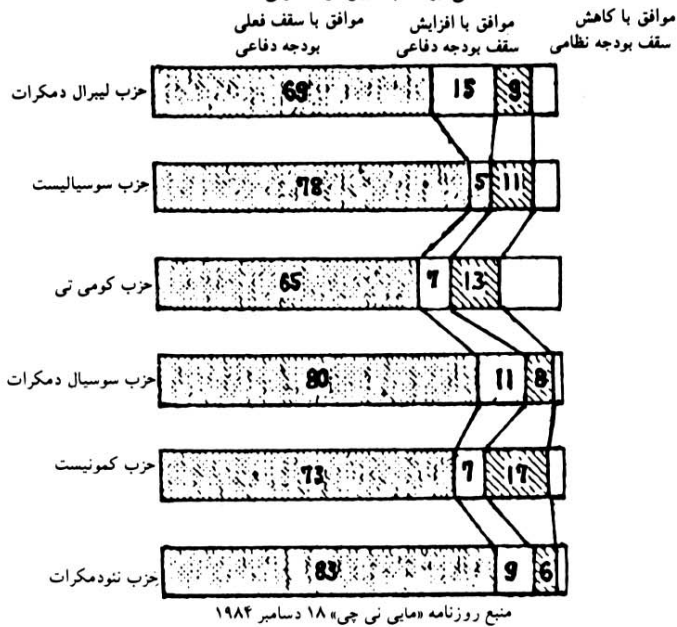


جدول شماره ۲ - ارزیابی سیاست های ناکاسونه - حکومت



منبع: روزنامه آساهی ۲۱ اکتبر ۱۹۸۵

جدول شماره ۳: موضعگیری در قبال بودجه دفاعی به عنوان یک درصد تولید ناخالص ملی، بر حسب تعیین هویت حزبی



بنحو فعال تری در استراتژی هسته ای آمریکا وارد شده است. این بار آنان تردید دارند که آیا آمریکا برای آنان و بجای آنها خواهد جنگید یا نه. آنها می خواهند باور کنند که سلاحهای هسته ای بلحاظ قدرت باز دارندگی خود هرگز بار دیگر بکار گرفته نخواهد شد. بنابر این اگر اغراق نباشد آنان امر دفاع را به نیروهای پدافند ملی ژاپن و نیروهای امریکائی واگذار کرده اند.

مردم ژاپن خواهان صلحند، خواه در شکل فردی یا به صورت اجتماعی. آخرین سنجش افکار توسط روزنامه ها نشان میدهد که دولت «ناکاسونه» در میان دولتهای پس از جنگ ژاپن، بالاترین حمایت مردمی را (برابر ۵۳٪) بدست آورده است (روزنامه آساهی شیمون مورخ ۱۵ مارس ۱۹۸۵) با اینحال همچنانکه در جدول ۵ مشاهده می شود مردم از بابت سیاست دفاعی احساس عدم امنیتی می کنند. هر گاه که وی عمل یا سخن جنگ طلبانه ای ابراز داشته، از حمایت کمتری برخوردار شده است. نمودار ۵ حاکی است که این حمایت در ۱۹۸۳ بلافاصله پس از آنکه وی اظهار داشت ژاپن باید بصورت یک «ناوگان غرق نشدنی» در آید، دچار کاهش شد و بار دیگر در سال ۱۹۸۵ بهنگامی که وی دیداری رسمی از معبد یاسوکونی (YASUKUNI) انجام داد، وضع مشابهی پیش آمد. (۲) اکثریت مردم بدون توجه به هویت حزبی شان از سقف هزینه های دفاعی بمیزان ۱٪ یا درصد کمتری از تولید ناخالص ملی حمایت می کنند (۷۸٪ نمایندگان لیبرال دموکرات در مجلس، و وکلای عضو حزب سیاست خالص (کومی تی)، ۸۸٪ وکلای سوسیال دموکرات، ۸۹٪ نمایندگان سوسیالیست، و ۹۰٪ وکلای کمونیست).

تصور فردی یا اجتماعی مردم در باره صلح تا حدود معینی از موضوعات دفاعی جدا می باشد. اما تصور آنان در مورد صلح بعنوان نظامی زدایی، هنوز بنحو موثری بر علیه نظامی شدن بیش از حد سیاست و تقویت وسیع نیروهای پدافند ملی در کار است. مادامی که امر دفاع بوجه محاله پعهده نظامیان حرفه ای گذاشته شود، برداشتها و موضع گیری های تناقض آمیز در مورد صلح ادامه خواهد یافت. در انتها بجاست مختصراً در باب طرز تلقی ژاپنی ها از مفهوم کشور توضیح دهیم.

مردم ژاپن بیشتر به زندگی خصوصی، خود علاقمندند تا به امور اجتماعی و سیاست. بررسی های انجام شده نشان میدهد که ژاپنی ها بنحو فزاینده ای از زندگی روزمره و محیط اجتماعی خود رضایت دارند. این بررسی ها همچنین حاکی است که آنان پیوسته علاقه کمتری به دولت و امور اجتماعی علاقه نشان میدهند. از دیگر سو، مردم بطور روز افزون به کشور خود اعتماد بیشتری پیدا می کنند. ۹۵/۶٪ مردم از ژاپنی بودن خود خوشحالند. ۷۰/۶٪ ژاپن را بعنوان ملتی تواناتر از سایر ملتها (در سال ۱۹۸۳) می پندارند. همانطور که ارزیابی ها نشان میدهد، ۴۰٪ از ساکنین توکیو قدرت اقتصادی ژاپن را پیشرفته تر از سایر کشورها و تنها ۱۵٪ آنرا عقب مانده تر از اقتصاد ممالک دیگر می دانند. معذک بررسی ها نمایانگر آن است که ملی گرایی مردم ژاپن آنچنان هم که معمولاً پنداشته می شود نیرومند نیست. کمی بیش از نیمی از مردم دارای وابستگی احساساتی نسبت به سرود پرچم ملی خود هستند. ۵۷٪ نسبت به سرود ملی، و ۵۶٪ نسبت به پرچم ملی. نتیجه بررسی ها همچنین حاکی است که آنان بطور روز افزون تمایل کمتری به اقدام سیاسی دارند و از اقتصاد صلح آمیز ژاپن لذت می برند.

بدین ترتیب «ملی گرایی، بدون مشارکت مردم در امور» سر بر آورده است. در جمع بندی از نظامی شدن جامعه ژاپن باید گفت که جامعه کما بیش غیر نظامی شده است. تمایلات صلح آمیز و ضدیت با سلاحهای هسته ای سرسختانه پایدار مانده و بنحو موثری بر علیه نظامی شدن بیش از حد سیاست و دفاع عمل کرده است. اما این صلح بیشتر صلحی فردی و اجتماعی است تا صلح سیاسی و لذا از مسائل دفاعی مجزا شده است، بنابر این تأثیر سیاسی این صلح کاهش می یابد.

ملی گرایی نیز بدون مشارکت مردم در امور، مطرح شده است و این خود تناقضی دیگر می باشد.

### یادداشت های مترجم

(۱) جنبه دیگر این پیروزی ها نقشی است که ژاپن در انقلاب مشروطه چین و انقلاب ۱۹۰۵ روسیه بعنوان قایله انقلاب ایفا کرده است. برای توضیح بیشتر بنگرید به کتاب «انقلاب چین» از دکتر بهزاد شاهنده از انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، و جزوات درسی ایشان در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.  
 (۲) در این معبد چند تن از امرای نظامی ژاپن در دوران جنگ جهانی دوم به خاک سپرده شده اند که در دادگاه بین المللی توکیو بعنوان جنایتکار جنگی شناخته و محکوم گردیده بودند.